

- کتابفروشی (یادنمای بابک افشار)
- مجلد اول: پانزدهم اسفند ۱۳۸۳، نشر شهاب
- مجلد دوم: ۱۳۸۷، انتشارات خجسته
- به خواستاری ایرج افشار.
- با همکاری: عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی، سید فرید قاسمی و نادر مطلبی کاشانی در مجلد اول: نامبردگان و رضا یکرنگیان در مجلد دوم.

«در مراسم ختم فرزند دلبندم، بابک افشار، گفته شد، به جای هفته و چهل و منال، چون او شیفته به مسائل کتاب ایران بود و با تأسیس کتابفروشی تاریخ نشان داد که آن پیشه باید محفل فرهنگی و کانون شناساندن کتاب باشد، و هم برای آنکه رگه‌های شوق او نخشکد، به همسر عزیزش، بانو ماری صوفی، پیشنهاد کردم از برگزاری چنان مراسمی خودداری کنیم و هزینه‌های آن مراسم به تهیه و چاپ کتابی درباره «کتابفروشی» اختصاص یابد. خوشوقتم که آن بانوی عزیز فرهنگی این نیت را موجب شادمانی روان بابک و ماندگاری نام او دانست.» (کتابفروشی، ج ۱، ص ۱۱).

این بخش از سخنان ایرج افشار است که در قالب یک «یادداشت» بزرگ‌های آغازین نخستین مجلد کتابفروشی نقش بسته است.

به راستی این چه شور و عشق شگفت‌انگیزی است که با گوشت، پوست و استخوان این مرد تنیده شده و در رگ‌های تنش جاری است؟ ایرج افشار را می‌گویم و حکایت شگرف مهر بی‌حدومرز او به وطن و وجب به وجب خاک اهورایی و زرخیز و مردخیز آن. او افزون بر شش دهه از عمر گرانبهای خویش را در راه شناساندن تاریخ، فرهنگ و ادب این مرز و بوم به ایرانیان و جهانیان سپری کرد و آنی باز نایستاد. آنگاه هم که در

سوگ فرزند برومندش - بابک - نشست، در هنگامه‌ای که مرگ آن عزیز باید رشته افکارش را گسیخته باشد، باز هم شعله‌های آتش مهر به تاریخ، فرهنگ و ادب سوزمین نیاکان در جانش زبانه کشید و گریبان او را رها نساخت.

او از مرگ فرزند نیز، این چنین در راه اعتلای فرهنگ ایران زمین سود جست، تا هم بر پیمان خویش در راه گسترش فرهنگ و ادب ایران پای فشرده باشد و هم یاد و نام بابک را زنده نگاه دارد. از همین جا نطفه پیدایش دو مجلد کتابفروشی شکل گرفت و حاصل، مجموعه‌ای است بی نظیر، در نوع خود منحصر به فرد و مرجعی سودمند در تاریخ کتابفروشی، کتابفروشان و این خرقه شریف.

این دو جلد کتاب به خواستاری ایرج افشار و یاری و تلاش چندین نفر نام آشنا در عرصه نشر و دانش و پژوهش آماده شده است. نخستین مجلد کتابفروشی دارای ۵۷ مقاله و بخشی با نام «پیوست‌ها» است.

ترتیب مقالات براساس نام فامیلی نویسندگان است و پس از یادداشت ایرج افشار، که به بخشی از آن اشاره شد، نخستین مقاله با نام «کتابفروشی: نهاد دستخوش تحول» از آن عبدالحسین آذرنگ است. «نخجیرگاه تاریخ» آوانس آوانسیان؛ «کتابفروشی‌های رشت و کتابفروشی طاعتی» احمد اداره چنی گیلانی؛ «کتابفروشی‌های همدان» پرویز اذکائی؛ «نخستین برخورد با کتابفروشی» سید عبدالله انوار؛ «کتابفروشی، روزنامه‌نگاری، روزنامه فروشی» ناصرالدین پروین؛ «کتابفروشی» عبدالرحیم جعفری؛ «ارتباط کتابفروشی‌های خارجی با کتابخانه‌های ایران» کیکاووس جهاننداری؛ «کتابفروشی باز تاریخ» بهاء‌الدین خرمشاهی؛ «کتابفروشان صاحب قلم» احمد ثبوت؛ «کتابفروشی تاریخ و نشر برزو» محمد رسول دریاگشت؛ «بنکداری کتاب» همایون صنعتی‌زاده؛ «کتابفروشی‌های هرات» محمد آصف فکرت هنروی؛ «کتابفروشی‌های تبریز» غلامرضا مجد طباطبایی؛ «کتابفروشی‌های ایران ۱۳۸۰» و «کتابفروشی‌های خرم‌آباد» هر دو از سید فرید قاسمی؛ «بازار جهانی نسخه‌های خطی در لندن» محمد علی کریم‌زاده تبریزی؛ «کتابفروشی‌های تاجیکستان» رحیم مستلمانیان قبادیانی؛ «طراحی جلد از این رو تا آن رو» مرتضی ممیز؛ «کتابفروشی‌های سیار و قیصریه علی آقا در نجف» احمد منزوی؛ «از کتابفروشی قلم سعدی تا کتابفروشی تاریخ» مجید مهران و «قیمت کتاب در چهل و شش نسخه خطی» عارف نوشاهی برخی از دیگر مقالات این مجلد است.

در بخش پیوست‌ها هم چند شعر و مطلبی از ایرج افشار درباره بنیانگذاری



● از راست بابک افشار (دو روز قبل از فوت)، علی دهباشی و ایرج افشار، ۱۳ اسفند ۱۳۸۳

کتابفروشی تاریخ توسط زنده‌یاد بابک افشار و نوشته‌ای از دکتر محمود افشار برای بابک افشار، از نادر مطلبی کاشانی به چاپ رسیده است. ناگفته نماند که این مجلد درست در روز پانزدهم اسفند هشتاد و سه یعنی در اولین سالگرد درگذشت آن عزیز منتشر شده است. اما مجلد دوم که با یک فاصله چهار ساله و در پنجمین سالمرگ بابک افشار منتشر شده است، سی و شش مقاله را به همراه سه پیوست «اول: باز چاپ نوشته‌های مرتبط»؛ «دوم: اسناد و تصاویر» و «سوم: درباره جلد اول و توضیحات» در خود جای داده است. پس از یادداشت ایرج افشار، که حاوی نکات سودمندی است و در آن ضمن تشکر و سپاس از پاره‌ای دوستان اهل قلم، پیشنهادهای سازنده و درخور توجهی درباره ادامه کار و چاپ جلد سوم کتابفروشی داده شده است. نخستین مقاله این مجلد با نام «مشهد و کتابفروشی‌های پنجاه سال پیش» از آن محمدرضا شفیعی کدکنی، استاد بی بدیل زبان و ادبیات پارسی است. «فهرست‌های ناشران کتابفروش» سید فرید قاسمی؛ «کتابفروشی میان زرتشتیان» کتابیون مزداپور؛ «شمه‌ای از شبکه توزیع کتاب» مجید رهبانی؛ «کتابفروشی‌های قزوین» سید محمد دبیرسیاقتی؛ «کتابفروشی‌های ارمینان» آندرانیک هویان؛ «احصائیه کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های ایران در خرداد سال ۱۳۱۴» منصور صفت‌گل؛ «خرید و فروش کتاب‌های ممنوع» محسن باقرزاده، «کتابفروشی در بیرجند»

کتابفروشی

یادشمار بابک افشار

جلد اول

به خواستاری:
ایرج افشار

با همکاری: عبدالعزیز آذرنگ - علی دهیاش - سیدفرید قاسمی - نادر مطهری کاشانی

پانزدهم بهمن ۱۴۲۲
انتشارات شهاب نایب

۳۹۷

محمدرضا راشد محصل؛ «خاطراتی از کتابفروشان» اکبر ثبوت؛ «کاتب، اخیر کتابفروش» سید علی آل داود و «کتابفروشی آذربایجان و کتابفروشی ساکو» از محمد علی کریمزاده تبریزی، تعدادی دیگر از مقالات این مجلد است.

در بخش پیوست اول، همانگونه که ایرج افشار در یادداشت خود اشاره کرده است، چند مقاله از تعدادی عزیزانی که پیشتر در این زمینه قلم زده‌اند به چاپ رسیده است. مانند: «حدیث کتابفروشان» سید ابوالقاسم انجوی شیرازی؛ «حدیثی دیگر از کتابفروشان قدیم» هوشنگ ساعدلو؛ «خرید و فروخت و سیر و سفر نسخه‌های خطی در گذشته» و سه مقاله دیگر، هر چهار مقاله از ایرج افشار.

در پیوست دوم، تصویر دو سند که به روش سیاق نوشته شده و در آن اسامی تعدادی کتاب ثبت گردیده به چاپ رسیده است و در پیوست سوم هم مطالبی پیرامون جلد نخست کتاب به همراه چند سند و تصاویری از زنده‌یاد بابک افشار که او را در میان اعضای خانواده و در کنار برخی دوستانش نشان می‌دهد چاپ شده است.

همه مقالات این دو جلد خواندنی است و هر یک از نگاه نویسنده آن، به موضوعی ویژه پرداخته است.

مقاله آذرنگ، از آنجا که از نگاه کسی که از نزدیک با دنیای نشر و کتاب و روند

کتابفروشی

یادنامه پنجمین سال درگذشت بابک افشار

جلد دوم

به خواستاری ابرج افشار

گروه محکمی
عبدالحسین آذرنگ - علی دهیشتی - سعید فرید قلمی
نادر مطلمی تاشانی - رضا بکر نکیان



۳۹۸

دگرگونی آن از نزدیک آشنا و در این حوزه صاحب رأی است - و پیشتر نیز در این حوزه تألیفات ارزنده‌ای از خود برجای گذارده - در خور توجه ویژه‌ای است. او در این مقاله، با توجه به عصر کنونی و گسترش شیوه‌های نوین ارتباط‌گیری با مخاطبان به شرح پدیده‌های نوین در دنیای ارتباطات پرداخته و این تأکید را می‌کند که: «تحول در کتابفروشی‌های این روزگار را نباید فقط به فناوری‌های جدید نسبت داد یا فقط به آنها محدود کرد» (ص ۱۸). به نظر آذرنگ «کتابفروشی، پیوند گاه سه چیز است: کالای فرهنگی، رویداد فرهنگی، و دیدار فرهنگی» (ص ۲۱).

مقاله آوانسیان حاوی آگاهی‌های سودمندی از کتابفروشی‌های دهه ۳۰ به بعد است و او در نوشته‌اش از بسیاری کتابفروشی‌ها و ادیبان نام برده تا به کتابفروشی تاریخ و بابک افشار رسیده و تصویر روشنی از آنجا ارائه کرده است.

عبدالرحیم جعفری، پیر صنعت نشر و کتابفروشان ایران در مقاله‌اش «کتابفروشی»، از اهمیت داشتن یک فروشگاه برای ناشران سخن رانده و تهیه مغازه برای امیرکبیر در سال ۱۳۲۹ ش را شرح داده است. داود رمضان شیرازی در مقاله‌اش به روند شکل‌گیری اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران پرداخته است.

محمد علی کریم‌زاده تبریزی در مقاله «بازار جهانی نسخه‌های خطی در لندن»

آگاهی‌های سودمندی از نحوهٔ فروش نسخه‌های خطی در حراجی‌های «سایتر»، «بن‌آمز» و «کریستی» به دست داده است.

«کتابفروشی در یزد» نوشتهٔ پیام شمس‌الدینی مقالهٔ دیگری از این مجلد است، نویسنده در مقالهٔ ارزنده خود پیشینه‌ای از کتابفروشی‌های یزد را نوشته است. او در نوشته‌اش افزون بر اطلاعات شخصی، از آگاهی‌های چندین نفر نیز سود جسته و با استفاده از منابع مکتوب، مقالهٔ مستند و درخور توجهی پدید آورده است. در حقیقت او در نوشته‌اش از هر دو روش تحقیق «کتابخانه‌ای» و «میدانی» بهره برده است.

«کتابفروشی‌های ایران ۱۳۸۰» و «کتابفروشی‌های خرم‌آباد» دو مقاله از سید فرید قاسمی پژوهشگر نام‌آشنای حوزهٔ روزنامه و روزنامه‌نگاری است. در مقالهٔ نخست او آمار جالبی از تعداد کتابفروشی‌های شهرهای مختلف در استان‌های کشور در اختیار خواننده قرار داده و در مقالهٔ دوم نیز همانگونه که از نام آن پیدا است، پیشینه کتابفروشی‌های خرم‌آباد بررسی شده است. قاسمی نیز افزون بر آگاهی‌های شخصی خویش از منابع و مآخذی هم سود برده است.

مقالهٔ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی «مشهد و کتابفروشی‌های پنجاه سال پیش» که نخستین مقالهٔ مجلد دوم است، از مقاله‌های خواندنی این مجموعه است. دکتر کدکنی همانگونه که از عنوان مقاله روشن است، به کتابفروشی‌های پنجاه سال اخیر در مشهد پرداخته و ارتباط خود با آنان و پاره‌ای از خاطرات خود از آنان را بازگفته است.

احمد طه‌وری در مقالهٔ «کتابفروشی طه‌وری» در قالب یک مصاحبهٔ تخیلی به چگونگی تشکیل کتابفروشی طه‌وری پرداخته و از زبان پدر نیک‌نهادش شادروان عبدالغفار طه‌وری، روند ایجاد آن کتابفروشی را نوشته است. طه‌وری یکی از ناشران خوشنام و سرشناس ایران بود که اهل قلم هیچگاه کارهای ارزندهٔ او را فراموش نخواهد کرد.

«تاریخچهٔ کتابفروشی‌های اصفهان» از مرتضی تیموری، بلندترین مقالهٔ این مجموعه است. این مقاله ۱۷۱ صفحه از مجلد دوم را به خود اختصاص داده است و از صورت یک مقاله برای درج در چنین مجموعه‌هایی خارج است و خود می‌تواند کتاب مستقلی شود. به هر صورت نویسنده در این مقالهٔ ارزنده، نوشتهٔ خود را در پنج بخش نوشته. او تاریخچهٔ کتابفروشی در شهر اصفهان از دوران صفویه تا قاجاریه و پس از آن تا پس از انقلاب اسلامی را به قلم آورده و در کنار آن به صحاف - کتابفروشی‌ها هم در همین دوره‌ها اشاره کرده است. او ضمن استفاده از خاطرات شفاهی دست‌اندرکاران از منابع و مآخذی هم استفاده کرده است و در بخش پایانی - بخش پنجم - نام و نشانی ۴۹۸ ناشر را



● کوشکک لورا، مرداد ۱۳۸۲، از راست متوجه ستوده، دکتر هوشنگ دولت‌آبادی، علی دهباشی، بابک افشار

در جدولی تهیه و به نوشته‌اش افزوده است.

اکبر ثبوت در مقاله «خاطراتی از کتابفروشان» همانگونه که از نام آن پیداست به بازگویی خاطرات خود از ناشرانی مانند: علمی‌ها، فشاهی، سیاح، ستوده، بهبودی، جزایری، کشمیری و... پرداخته است که نکات ارزنده‌ای در آن به چشم می‌خورد و خواندنی است.

با نگاهی به نام نویسندگان بیشتر مقالات که از صاحب قلمان و پژوهشگران نام‌آور منیهمان هستند و نیز مرور مقالات آنان، مجموعه بی‌ظییری در موضوع کتاب، کتابفروشی، نسخه‌های خطی، ناشران و دیگر موضوعات وابسته پدید آمده که از این پس مرجع مفیدی برای مراجعه پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه خواهد بود که به ضرس قاطع هیچ یک از آنان از مراجعه بدان بی‌نیاز نخواهند بود.

به عبارت دیگر تاریخ دست‌کم یک سده نشر ایران را می‌توان از لابه‌لای اوراق این دو جلد پ. و احتمالاً جلد سوم آن که پیشنهاد تهیه و انتشارش از سوی ایرج افشار داده شده است - بیرون کشید.